

## اسمش جام عقل است

مهرانگیز کار

اسمش جام زهر نیست. جام عقل است. بنوشیدش، بنوشیدش. بی دلوپسی. از آن گزیری نیست یا اگر هست در شیب تند جنگی نابرابر است. بنوشیدش که زهر نیست، مرگ نیست، زندگی است. ملتی جان به سر شده. تعادل که حکم عقل است از گفتار و رفتار مدیران رخت بر بسته است. یکی می گوید قطعنامه های بین المللی کاغذ پاره است، یکی می گوید ناوگان های امریکا در خلیج فارس آهن پاره است. مردم خسته از لافزنی ها و دزدی ها، می دوند دنبال لقمه ای نان و تکه ای گوشت تا لبخندی بر لبان فرزندشان بنشانند. عقل بر اقدامی که زیانش بیش از منفعت است صحه نمی گذارد.

مردم می خواهند زندگی کنند. نمی خواهند ریاضت بکشند و برای پیروزی در نبردی نابرابر که به فرض دستیابی، فرصت تازه ای می شود برای بد مستی ستمگران قربانی بدهند. از آن آمادگی برای ایثار جان و مال که در جنگ ایران و عراق در کار بود خبری نیست که نیست. جان ها فدا شد تا یک شبکه ی بزرگ قدرت به جان مردم بیافتد و متکبرانه از آنها سلب آسایش کند. پیچ سرنوشت تند شده. لحظه های تاریخی از کف رفته، باقی مانده هم می رود. مردم بارها به پا خاستند تا شما را سر عقل بیاورند تا شاید به این روز ننشینند. نشد که نشد. درها را به روی عقل بسته اید. دیر است. ولی باری آن ها را بگشائید. از شماتت که البته در پی تاخیر در گشودن درها انتظارتان را می کشد نهراسید. همیشه از بس ترسیده اید خطا روی خطا مرتکب شده اید. هرگاه خود پاک و بی غل و غش بودید، مردم اندررتان می دادند و همدلانه با شما همصدا می شدند و می گفتند ادعای شما درست است. جهان زیر سلطه ی مدیریت تبعیض و بی عدالتی پر پر می زند. ولی ما که نمی توانیم آن را تغییر بدهیم خوب است دست بگذاریم روی کلاه خودمان و قدر چاههای نفت را بدانیم و در جغرافیائی که مقدر شده خانه مان باشد خوب زندگی کنیم. آیا رابطه ی مردم با شما این گونه است؟ با مردم دو روئی کردید. بار خود بستید و بار مردم به خاک افکندید. مردم دقیق تر از شما تاریخ سرزمین شان را خوانده اند. می دانند بسیاری از حقوق مسلم شان در جامعه ی جهانی بارها بلعیده شده، اما این را نیز تجربه کرده اند که شما با انواع کجروی ها بیش از قدرت های جهانی منافع ملی آنها را در این چند دهه به خطر انداخته اید و به کرامت انسانی و حقوق فردی شان بیش از همه ی دورانی که حکومت ها بر طبل "استقلال" نمی کوبیدند بی اعتنائی کرده اید. آنها به شما از سال ۱۳۵۷ وکالت دادند تا مدافع حقوق شان برای رفاه و مشارکت و شادمانی و عدالت بشوید. شدید؟ نشدید. وکیل خطا کار و بیسواد و جاهل یا طمعکار و خائنی بودید که منافع موکل را تامین نکرده و بلکه حتا حریم جغرافیائی و ملک و املاکش را آسیب پذیر ساخته اید. این چنین وکیل به حکم عقل دو راه پیش پا دارد. یا استعفا می دهد یا عزل می شود. شما که جگر استعفا ندارید. مردم هم که تا کنون نتوانسته اند متقاعدتان کنند

که مدتهاست عزل شده اید. پس بیائید شرط دیگری از بسیار شرطهای عقل را بپذیرید. در این لحظات حساس، لافزنی و گزافه گوئی را بس کنید. عجالتا همین اندازه از پذیرش عقل به مردم کمک می کند تا ناگهان تکه پاره نشوند و مثل دود هوا نروند. مدیریت بحران از این جا شروع می شود. اما تمام نمی شود.

جام عقل را بنوشید. در غیر این صورت به بهای جان و مال و امنیت جغرافیائی مردم، از صفحه ی روزگار محو می شوید. تا حالا هم که نشده اید نان گرفتاری های خود ساخته ی قدرت های جهانی را خورده اید. نه مدیریت خودتان را. دشمن یا دشمنان که ورد زبان تان شده است، دستشان جاهای دیگری بند است. ولی چنانکه افتد و دانی ناوگان شان به راه است و امنیت ملی شان به امنیت خلیج فارس گره خورده است. به عبارت دیگر جانشان به جان خلیج فارس بسته است و به علاوه ایران حقی بر همه ی گلوگاه عبور نفتکش ها ندارد. حرفهای خنده دار که می تواند شهروندان نظامی و غیر نظامی ایران را به خاک و خون بکشد نزنید. برای بستن تنگه ی هر مز لطفاً قانونگزاری نفرمائید. حال که این همه ثروت اندوخته اید و اموال موکل را یک جا بالا کشیده اید، دستکم بمانید و از آن بادآورده ها لذت ببرید. زندگی مشقت بار مردم را از این که هست، سختتر نکنید.

در شرایط کنونی که در جهان زیاده جنجال راه انداخته و با مردم در حوزه های گوناگون بسیار ستیزه کرده اید، یک جرعه نوشیدن از جام عقل شرف دارد به این توپ و تشرهای تو خالی. این ها که برای مردم نان شب نمی شود و اتفاقا بر خلاف بارهای دیگر کام شما را هم شیرین نمی کند. لبخندهای دیپلماتیک خانم اشتون خیلی قیمت دارد و لکن ابدی نیست. جست و خیز خانم کلینتون در سطح جهان بی چیزی نیست. جام را لاجرعه سر بکشید. وقتی باور کنید که جان و رفاه و نان و مرغ و گوشت و سفره ی پر و پیمان ایرانیان به این جام بسته است و دوام حکومت خودتان هم در گرو این اقدام است، تن دادن به آن آسان می شود. اگر جام را بالا ببرید کسانی که عقیده دارند خون را با خون نمی شویند و تعدادشان در جهان کم نیست در همان حال که شما را تحسین می کنند و از این که حساب سود و زیان را به نفع مردم نگاه داشته اید می ستایند، قدرت های جهانی را که به حقوق ملت ها در زمینه ی دسترسی به انرژی هسته ای در منطقه و در آسیا دو گونه برخورد می کنند، بیش از پیش پاسخگو می خواهند. در منظر جهانی چیزی از دست نمی دهید. می توانید تا یک طرف قضیه دیوانگی را شروع نکرده امتیاز هم بگیرید. هنوز فرصت اندکی باقی است.

اسمش جام زهر نیست. جام عقل است. اگر فریاد نزده بودید که می خواهید کشوری را از روی جغرافیای جهان پاک کنید، شاید می توانستید حالا حالا با سیاست هسته ای بازی و تبلیغات کنید. ولی پس از لافزنی ها کار بر شما و بر مردمی که در این لافزنی نقشی نداشتند سخت شد و شگفتا که هنوز لافزنی و گزافه گوئی را ادامه می دهید و تصور می کنید همین که مردم تصاویر خوردن مرغ را از تلویزیون نبینند کافی است و طعم گوشت مرغ فراموش شان می شود و برای شما با شکم گرسنه هورا می کشند.

تحریم قابل دفاع نیست. حکومتی هم که دروازه ها را بر سیاست تحریم می گشاید و در حالی که قصد و نیت حمله و جنگ ندارد به آن در کلام تظاهر می کند، قابل دفاع نیست. شرایط ایران کنونی از نظر اقتصادی از شرایط جنگ 8 ساله با عراق به مراتب بدتر است.

برنامه نیست. دفترچه بسیج نیست. امید نیست. ولی قحطی جنگ هست. جام را بردارید و  
بنوشید. بگذارید مردم بخورند و بیاشامند.  
تگ ندارد